

نبرد مخفی از منظر قرآن کریم با نگاهی به واژه‌ی «سَرِّیاً»

بی‌بی زینب حسینی^۱، محمد علی رضایی کرمانی^۲، مرتضی ابروانی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲۳ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

نبرد مخفی و یا شبانه یکی از روش‌های غافل‌گیری دشمن است. به نظر می‌رسد در قرآن کریم از این نوع روش سخن به میان آمده است. تهدید دشمن با آگاهاندن وی از وجود سربازان مخفی و یا وجود سرمایه‌های پنهان سبب می‌شود، دشمن نتواند برآورد صحیحی از امکانات و قابلیت‌های نیروهای الهی داشته باشد، و این نوعی تهدید و تخویف به شمار می‌آید.

روش‌شناسی: واژه‌ی سَرِّیاً و مشتقات دیگر از ریشه‌ی سری دارای مفهوم لشکر مخفی، و یا لشکرکشی شبانه است، در این پژوهش تلاش بر آن است، ابتدا یک ریشه‌شناسی دقیق از این واژه ارائه شود، سپس تطور این واژه در زمان‌های مختلف بررسی شود و ارتباط این ریشه با ساختار سوره مریم و اسراء تبیین گردد. و در دیدگاه‌های مفسران گذشته درباره مفهوم این واژه با توجه به سیاق آیات و ادبیات عرب بازنگری صورت گیرد. واژه سَرِّیاً، ارتباطی با ریشه اَسْرَی دارد، و می‌تواند به سربازان پنهان و مخفی خداوند اشاره نماید.

کلید واژه‌ها: مقارنه، سریه، اسری، نبرد مخفی.

۱. نویسنده‌ی مسئول، استادیار دانشگاه یاسوج: ze_ho38@yu.acir

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

سوره‌ی «مریم» نوزدهمین، سوره‌ی قرآن، براساس ترتیب کنونی، و دارای ۹۸ آیه و از سوره‌های مکی است. (سیوطی، ۵۲۱/۲؛ زرکشی، ۹۳/۱) پیش از آن، سوره‌ی «کهف» و «اسراء» و پس از آن سوره‌ی «طه» قرار دارد. محتوای سوره‌ی «مریم» با دو سوره‌ی پیشین ارتباط دارد، محتوای این سه سوره از قرآن کریم، با هم در ارتباط است. کلید واژه‌ای، که ما را به این رهیافت، می‌رساند، واژه‌ی «سَرِّیًّا» است. استفاده از ریشه‌ی کم کاربرد «سری» با وجود امکان استفاده از «سیر» می‌تواند نشان‌گر مفهومی در این ریشه باشد، که در واژگان مشتق از «سیر» وجود ندارد.

محتوای این سوره درباره‌ی مخلوق بودن عیسی و مادر او «مریم» - درود خدا بر او باد - است و از ابتدا تا انتهای سوره چندین بار، بر این نکته تأکید می‌شود، مریم: ۳۴، ۳۵، ۹۲، ۹۳؛ که عیسی و تمامی انبیای دیگر و بندگان صالح خداوند، هیچ‌گاه از عبادت خداوند روی برناتافتند. (طهماز، ۶۹) مریم: ۵۸؛ و خداونداری عیسی و مادرش در نزد خداوند، جرمی بزرگ و نابخشودنی و از مظاهر بزرگ فساد و تباهی است. مریم: ۹۰؛ بندگان خداوند، همیشه در برابر وی، سر کرنش فرود آورده‌اند و تنها، مردم پس از ایشان، بودند که این سخنان بیهوده را، به ایشان نسبت دادند. مریم: ۵۹ بنا بر این سیاق آیات در راستای تعظیم جایگاه مریم و فرزندش نیست، بلکه سیاق آیات در مقام عبودیت و بندگی این دو برای خداوند است. (طباطبایی، ۵/۱۴) خداوند به مریم، زکریا، نوح، ابراهیم، موسی، ادریس، ... درود می‌فرستد، و یادآور می‌شود: که به همه‌ی ایشان، مانند؛ مریم، لطف و رحمت ویژه‌ی خود، را نازل نموده است، ولی این، دلیل بر ربوبیت ایشان، نیست. مریم: ۹۲-۹۷ پس رحمت ویژه‌ی خداوند، بر مریم و فرزندش نیز، نمی‌تواند؛ دلیلی بر ربوبیت ایشان، به شمار آید. (شرف‌الدین، ۶۶/۵)

مریم بانوی پرهیزگار و برگزیده از منظر قرآن، جایگاه بلندی دارد، (شعرانی، ۶۱) تا آنجا که برخی مقام وی را برتر از برخی انبیای بزرگ، مانند؛ یوسف دانسته‌اند، زیرا یوسف در مقام قصد، مقدمات عمل و عمل خارجی، از گناه مصون ماند، ولی مریم نه تنها خود از گناه مصون ماند؛ دیگری را نیز به خداترسی و پرهیزگاری فرمان داد. مریم: ۱۸؛ (جوادی آملی، ۲۴۳/۱۴) قرآن کریم، از این بانوی بزرگ سی و چهار بار نام برده است، و وی تنها زنی است، که خداوند در قرآن با اسم از او نام برده است، (شعرانی،

۱۳۹) خداوند از زبان فرشتگان، مریم را بر تمامی زنان جهان، برتری داده است. واژه‌ی «سَرِّیًّا»، در سوره‌ی مبارکه‌ی مریم، تنها یک بار در این صیغه و در این ساختار و سیاق به کار رفته است، در فهم معنای این واژه نباید، به سیاق آیات بی‌توجه بود، سیاق آیات در این سوره درباره‌ی اثبات بندگی عیسی برای خداوند است، نه بیان برتری وی بر سایر بندگان. ریشه عبد در قرآن کریم ۲۷۵ مرتبه و در سوره‌ی مریم ۱۱ مرتبه به کار رفته است. که تعداد بالایی است، و به اندازه کاربرد این ریشه در سوره بقره؛ بلندترین سوره قرآن است، افزون بر این حضرت عیسی در عباراتی که خود را معرفی می‌نماید خود را «عبد الله» معرفی می‌نماید. مریم: ۳۰ ابتدای صورت از زکریا با عنوان عبده یاد می‌شود. مریم: ۲ و در فرازهای پایانی سوره خداوند پیامبرش را دعوت به عبودیت و صبر بر بندگی می‌کند. مریم: ۶۵ توجه به ساختار سوره نشان می‌دهد سوره مریم درباره راه و رسم بندگی خداوند است، و واژه‌ی «سَرِّیًّا» با این سیاق و ساختار هماهنگ است. درباره‌ی تک کاربرد بودن، ریشه‌ی «سَرِّیًّا» در قرآن اختلاف نظر است. برخی آن را از ریشه‌ی «سرو» و تک کاربرد می‌دانند. (مصطفوی، ۱۱۴/۵)

ریشه شناسی واژه‌ی «سَرِّیًّا»

در این که واژه‌ی «سَرِّیًّا» از ریشه‌ی سه حرفی «س، ر، ی» و «یا؛ «س، ر، و» است، اختلاف نظر وجود دارد، (مصطفوی، ۱۱۴/۵) بر اساس دیدگاه زبان شناسان مشهور عرب، مانند ابراهیم سامرایبی یا رمضان عبدالتواب تمامی واژگان عربی برگرفته از ریشه ثنائی (دو حرفی) (سامرائی، ۴۱) و یا ریشه‌ی ثلاثی مضاعف هستند. (عبدالتواب، ۳۶) بررسی‌های لغوی مانند: مقایسه‌ی ریشه‌های مشابه هم معنا و یا بررسی ویژگی‌های صوتی واژه نشان می‌دهد؛ واژه‌ی «سَرِّیًّا» برگرفته از ریشه‌ی دو حرفی «س، ر» و یا سه حرفی «س، ر، و» است، که به تدریج در اثر تغییرات آوایی به صورت واژه‌ی «سر» یا «سری» یا واژگان دیگر مانند: سرم، سرد، سرت، ... درآمده است. واژه‌ی «سَرِّیًّا» واژه‌ای سامی است، ولی درباره‌ی عربی بودن و یا غیر عربی بودن آن اختلاف نظر، وجود دارد، برخی از مفسران و واژه‌شناسان این واژه را عربی و حجازی (فیومی، ۲۷۶/۱؛ ابن منظور، ۳۸۲/۱۲) و برخی غیر عربی؛ سریانی و یا حبشی دانسته‌اند. (ابن هاشم، ۲۸۲/۱)

ولی، به نظر می‌رسد؛ این واژه، واژه‌های عربی است، زیرا واژه‌ی «سَرِيًّا»، از ریشه‌ی «سرو» و یا «سری»، در زبان عربی با همین معنا، وجود دارد. به ویژه هنگامی که با همزه همراه گردد، مانند؛ «أَسْرِي»، به یقین واژه‌ای عربی است. (فیومی، ۱/۲۷۶) این ریشه با همین معنا و یا معنای مشابه در شعر جاهلی نیز، به کار رفته است.

حَتَّى يَبِيدَ عَلَى عَمَدٍ سَرَاتُهُمْ
الِنَافِذَاتِ مِنَ النَّبْلِ الْمَصَابِئِ

ترجمه: تا این که به واسطه‌ی مشکلات بزرگ طاقت فرسا، سروری و برتری قوی ایشان از بین برود، (ذبیانی، ۲۸).

واژه‌ی «سراة»، در این بیت به معنای «سادتهم و اعلاهم شأناً» آمده است. (همان، ۳۸) «سرت»، در این بیت به معنای «جائت لیلاً» آمده است. (همانجا، ۵۵) سراة در این بیت به معنای «وسطه» آمده است. واژگانی که حرف «س» و «راء» و یا «س» و «یاء» در آنها وجود دارد، دارای مفهوم حرکت همراه با خفا و پوشیدگی در آن است. (مطرازی، ۲۷۶ و ۲۵۶)

واژه‌ی «سَرِيًّا» در زبان‌های سامی

برخی از مفسران تابعان، این واژه را واژه‌ای سریانی و یا حبشی معرفی نموده‌اند، که در این زبان به معنای نهر و جدول است. (سیوطی، ۱/۲۰۰) با مراجعه به کتاب لغت سریانی روشن گردید، ریشه‌ی «سرو» و «سری» هر دو در زبان سریانی موجود است. ریشه‌ی سری صخره (Hassan bar buhlul 2/1378) و یا سرو صخره (همان، 1689) در زبان سریانی به این معنا نیست، بلکه آن واژه‌ی سفیتا صخره (همان، 1378) در زبان سریانی است، که به این معنا آمده است و احتمالاً برخی در این معادل‌یابی راه خطا را پیموده‌اند. زیرا، اگر واژه‌ای از زبان‌های دیگر به زبان عربی راه یابد، باید قوانین تغییر حروف در آن رعایت شود، مثلاً حروف یک واژه به حرف‌های هم‌آوا یا به اصطلاح حروف اخوات به یکدیگر تبدیل می‌شوند، و بر اساس قواعد فقه اللغه و ریشه شناسی نمی‌توان واژه‌ی سَرِيًّا را صورت تغییر یافته واژه‌ی سفیتا دانست، به ویژه زمانی که خود این ریشه در زبان سریانی وجود دارد، نمی‌توان سفیتا را همان «سَرِيًّا» دانست.

در زبان عبری، ریشه‌ی «سری» ֶסֶר به معنای جنگیدن و کشتی گرفتن است. (حییم، ۵۷۲) احتمال دیگری نیز در این باره مطرح شده است و آن؛ واژه‌ی «سَریّاً» شکل تغییر یافته‌ای از ریشه‌ی «سریر» باشد که؛ در زبان سریانی به معنای تخت است. با توجه به آنچه در کتاب مقدس، درباره‌ی بشارت تخت سلطنت داوود به مریم آمده است. (انجیل لوقا/ ۱۱۷) «ابن عباس» نیز این واژه را به معنای نهر کوچک دانسته است و به این شعر استناد جسته است.

سهل الخلیقه ماجد ذو نائل مثل السری تمده الانهار

دارایی اخلاق نیکو و سخاوتی است مانند رودخانه کوچکی به سمت رودهای بزرگ جاری می‌شود. (سیوطی، ۲۶۱/۱؛ بنت الشاطی، ۴۴۳).

معنای مفهومی واژه‌ی «سَریّاً»

درباره‌ی مفهوم این واژه در بین مفسران و واژه‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را از ریشه‌ی «سری» به معنای سیر شبانه (فراهیدی، خلیل، ۲۹۱/۷؛ صاحب بن عباد، ۳۷۱/۸) و برخی آن را از ریشه‌ی «سرو» به معنای علو و برتری می‌دانند. (مصطفوی، حسن، ۱۱۵/۵) با توجه به اختلاف نظری که درباره‌ی مفهوم واژه‌ی «سَریّاً» وجود دارد، بهترین راه حل بدست آوردن مفهوم حقیقی واژه از طریق دستیابی به مفهوم ریشه‌ی واژه است. و مقارنه بین زبان‌های سامی است. واژگان «رس» و «رسی» که ریشه‌های مشابهی با ریشه‌ی «سری» دارند، به معنای ثبات و استقرار است. (ابن فارس، ۳۷۳/۲ و ۳۹۴). و ریشه‌ی سه حرفی «سرر» یا دو حرفی «سر» که به واژه‌ی «سَریّاً» برگرفته از آن است، «ابن فارس»، درباره‌ی آن گفته است، تمامی واژگان فرعی این ریشه بر مفهومی از خفاء و امری پنهانی دلالت دارد، و یا بر خلوص و استقرار دلالت دارد. (همانجا، ۳/ ۶۷) در زبان سریانی ریشه‌ی «سَریّاً» ܣܪܝܐ به معنای حرکت شدید، اضطراب، فرار کردن، جنگ و نبرد است. (Hassan bar buhlul 2/1390) ریشه‌ی «سرو» ܣܪܘ نیز در این زبان وجود دارد و به معنای میوه‌ی درخت صنوبر آمده است. (همان) ریشه‌ی ܣܪܝܐ در زبان سریانی به معنای کندی و آهستگی، به مفهوم مخفی بودن در این واژه اشاره می‌کند. (Hassan bar buhlul, 2/1378)

ولی، براساس آنچه در معانی مصداقی این واژه گفته خواهد شد و بر اساس ریشه‌یابی این واژه و توجه به بافتی که واژه‌ی «سَرِّیًّا» در آن به کار رفته است، می‌توان گفت؛ این واژه دارای چند مفهوم اساسی است.

الف: جنگ و نبرد؛ این دو مفهوم درواژه‌ی «سَرِّیًّا» هم در معادل سریانی و عبری آن، (Hassan bar buhlul, 2/1680؛ حییم، ۵۷۲) و هم در واژگان هم‌ریشه‌ی این واژه دیده می‌شود. (جوهری، ۲۳۷۵/۶). نمونه‌هایی که از کتاب‌های لغت می‌آید؛ نشان می‌دهد مفهوم سپاه جنگی در ریشه‌ی این واژه وجود دارد. و به سپاهی که بیش از چهارصد نفر باشد، و یا به برترین افراد سپاه مانند، فرماندهان و یا برگزیدگان سپاه اطلاق می‌شود.

سری عن فلان، آی: تجلی عنه الغضب، أو غشیة؛ (فراهیدی، ۲۹۲/۷؛ صاحب بن عباد، ۳۷۱/۸؛ السَّرِّیَّةُ، كَغَنِيَّةٍ: قِطْعَةٌ مِنَ الْجَيْشِ، (زبیدی، ۵۱۵/۱۹)؛ السَّرِّیَّةُ: واحدة السرایا، يقال: خیر السرایا أربع مئة رجل. و اشتقاقها من: سری باللیل لأنهم كانوا یخفون الخروج إلى العدو فیخرجون باللیل. و هی فعیلة بمعنی فاعلة؛ (حمیری، نشوان بن سعید، ۳۰۵۳/۵؛ جزری، ابن اثیر ۳۶۳/۲)؛ فیهِ «یردُّ مُتَسَرِّبِهِمْ عَلٰی قَاعِهِمْ» الْمُتَسَرِّیُّ: الذی یرج فی السَّرِّیَّةِ، و هی طائفة من الجیش یربغ أقصاها أربعمائة تبعث إلى العدو (مصطفوی، ۱۱۴/۵) و السَّرِّیَّةُ: قِطْعَةٌ مِنَ الْجَيْشِ، فعیلة بمعنی فاعلة، لِأَنَّهَا تَسْرِی فِی خَفِیة؛ (فیروزآبادی، ۳۴۶/۱؛ فیومی ۲۷۵/۲) أَنْ الْأَصْلُ الْوَاحِدُ فِی هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ سِیر بِلَا تَظَاهِرٍ وَ إِعْلَانٍ وَ جَهْرٍ بِلِ الْبَسْرِ وَ الْخَفَاءِ، مَادِّیًّا أَوْ مَعْنَوِيًّا. (مصطفوی، ۱۱۴/۵)

عبارات فوق نشان می‌دهد؛ زبان شناسان و لغویون عرب، مفهوم جنگ را به عنوان محوری‌ترین مفهوم این واژه ذکر کرده‌اند. و آن از مفاهیم محوری و اصلی در ریشه‌ی سری است، همان‌طور که در معادل عبری و سریانی این واژه دیده می‌شود. Hassan bar buhlul 2/1390; Jer, 50.39 bar) Bible. Reg, 7. 30; (مزراحی، فیلیکس، ۳۹۶؛ Michaelis. David Jonnes, p 624)

اگر ریشه‌ی این واژه، از ریشه‌ی «سری» باشد. (مطرازی، ۳۹۵/۱؛ ابن منظور، ۳۸۰/۱۴؛ طریحی، ۲۱۶/۱؛ مصطفوی، ۱۱۴/۵) این مهم‌ترین و محوری‌ترین مفهوم در این واژه است. توجه به این نکته در برداشت از تمام آیاتی که در قرآن کریم، ریشه‌ی «سری» در آن به کار رفته است، مانند؛ «أسر» الدخان: ۲۳؛ و «أسری» در سوره‌ی «إسراء»: ۱، تأثیرگذار خواهد بود. در تورات به سربازان پنهان خدا «سرایاه» گفته می‌شود. (تورات، ۲ سمو ۸: ۱۷؛

۲۰:۲۵؛ ۱ پاد ۴:۳؛ ۱ توا ۱۸:۱۶... و در زبان عربی نیز ریشه‌ی «سری» به معنای جنگ شبانه است. به همین جهت به گروهی از سپاه، که شبانه برای غافل‌گیر کردن سپاه دشمن، به سوی دشمن حرکت می‌کردند، «سریه» گفته می‌شد. (حمیری، ۳۰۵۳/۵) باید توجه داشت تا زمانی که می‌توان این واژه را شکل صحیحی از یک واژه عربی با ویژگی‌های روشن صرفی دانست نمی‌توان این واژه را واژه‌ی دخیل به معنای نهر و یا جدول و یا از ریشه‌ی سرو دانست، ریشه سرو با سیاق آیات یعنی عبودیت در این سوره سازگاری ندارد. (مصطفوی، ۱۱۴/۵)

ب: حرکت سریع و پنهانی؛ این مفهوم در تمام واژه‌هایی که از ریشه‌ی «سری» هستند، (ابن فارس، ۳۷۳/۲؛ ابن منظور ۳۸۰/۱۴؛ بنت الشاطی، ۴۴۳)؛ و یا هر واژه‌ای که حرف «سین» و «راء» در آن باشد، وجود دارد، مانند؛ سراط، اسری، ... (مطرازی، ۲۵۶ و ۲۷۶؛ راغب اصفهانی، ۲۳۱؛ ابن جزری، ۳۶۵/۲) این ریشه به معنای کشف امور پنهان و پوشیده نیز به کار می‌رود. (صاحب بن عباد، ۳۶۸/۸). ریشه‌ی «سرّ» به معنای امر پنهانی در تمامی واژگانی که از این اصل ثنائی یا مضاعف مشتق شده‌اند و شکل‌تطور یافته این اصل و ریشه هستند، مانند: سری، سراط، ... وجود دارد. (مطرازی، ۲۵۶ و ۲۷۶) بنابراین نمی‌توان درک درستی از این واژه، بدون مفهوم خفا و پوشیدگی که در اصل لغوی آن وجود دارد، داشت.

معنای مصداقی واژه‌ی «سَرِّیاً»

واژه‌ی «سَرِّیاً» و یا ریشه سری در معانی مصداقی گوناگونی به کار رفته‌اند. نهرآب، جدول و یا آب‌راهه کوچک. (زبیدی، ۲۶۱/۳۸) ولی بیشتر مفسران، این واژه را به معنای نهر کوچک و آب روانی دانسته‌اند که از زیر پای مریم روان شد (فراء، ۱۶۵/۲)؛ طوسی ۱۱۸/۷؛ ابن کثیر ۱۹۹/۵؛ بغوی، ۲۳۰/۳؛ طبرسی، ۷۹۰/۶؛ ابن عاشور، ۲۶/۱۶؛ سیوطی، ۲۶۶/۴؛ کاشفی، ۶۶؛ اصفهانی، ۱۰۸/۸؛ مغنیه، ۳۹۸؛ فضل‌الله، ۳۷/۱۵؛ سبزواری، ۳۱۲؛ قشیری، ۲۹۰/۱؛ نووی، ۷/۲).

پیکان، سر نیزه، زره تن، ... (مشکور، ۲۶۱/۱). در زبان عبری، ریشه‌ی «سری» «סרי» به معنای جنگیدن و کشتی گرفتن است. (حییم، ۵۷۲) سرباز، گروهی از سپاه که مخفیانه حرکت می‌کند، گروه شب رو، ... (فاخوری، ۳۸۶/۱) نبی و پیامبر این مفهوم در

روایتی از حسن بصری آمده است. (بسوی، ۴۱/۲) انسان با مروت، سخاوتمند و کریم، (مصطفوی، ۱۱۴/۵) برخی از واژه‌شناسان معنای نهر و جدول را برای رفع حزن و اندوه کافی ندانسته‌اند، و یا ناخودآگاه دریافته‌اند، که این واژه مفهومی فراتر از یک نهر، را می‌رساند. (مصطفوی، ۱۱۴/۵)

بنابراین به خطا این واژه را از ریشه‌ی «سرو» دانسته‌اند. (زمخشری، ۱۳/۳؛ بیضاوی، ۸/۴؛ ثعلبی، ۲۱۱/۶؛ غازی، ۳۲۸/۵؛ گنابادی، ۴/۳؛ مراغی، ۹۰/۱۶؛... درخت سرو و بلند. (زبیدی، ۲۶۱/۳۸)

تطور لغوی واژه‌ی «سَرِّیَّا»

واژه‌ی «سَرِّیَّا» پیش از نزول قرآن (یهودیان)

واژه‌ی «سرایا» در زبان عبری و در تورات به معنای سربازان پنهان خداست. نه نفر بدین نام در کتاب مقدس نامیده شده‌اند. (تورات، سمو، ۲:۸؛ و ۲۵:۲۰؛ پاد ۲، ۱۸:۲۵؛ توا ۶:۱۴؛ ار ۵۲: ۲۷، ۲۴؛ ...). که یکی از آنها صادوق، کاتب داوود نبی بود، ... در تورات به نظر می‌رسد، این واژه لقبی برای عده‌ای خاص بود، اگر چه این اصطلاح همچون یک نام به کار رفته است، ولی چون درباره افراد مختلف به کار رفته است، نشان می‌دهد این واژه یک اصطلاح یا لقب برای گروهی از سربازان مخفی ویژه بوده‌است. (هاکس، جیمز، ۳۱۴) سرایا گروهی در خدمت حضرت داوود، بودند و ایشان سرداران سپاه و یا کاتبان حضرت داوود بودند؛ یکی از ویژگی‌های این افراد، آن بود، که ایشان سربازان خاص خدا نامیده شده‌اند، (تورات، ۱ توا، ۱۸:۱۶ و ۳۵:۴). توجه به معنای لغوی واژه‌ی «سَرِّیَّا» و آنچه در تورات آمده است، نشان می‌دهد؛ ایشان سربازان مخفی خداوند بوده‌اند، در تورات آمده است؛ صادوق بن اخطیوب و اخلیمک بن ابیاتار، کاهن بودند و سرایا کاتب بود و یا درباره‌ی سرایاه آمده است؛ پادشاه خواست، سرایاه را دستگیر نماید، ولی خداوند ایشان را مخفی نمود. (تورات، ار، ۲۶:۳۶) آنچه درباره‌ی سربازان مخفی در تورات گفته شد، کاملاً با باور قرآنی درباره‌ی عیسی منطبق است، که وی به دست کاهنان کشته نشد، بلکه ایشان توهم نمودند، که عیسی را کشته‌اند، نساء: ۱۵۷؛ در حالی که عیسی، زنده است و خداوند او را به آسمان برده است، آل عمران: ۵۵؛ سرایا جمع واژه‌ی «سَرِّیَّا» است، واژه‌ای که برای حضرت عیسی به صورت مفرد به کار رفته است.

بنابراین اصطلاح سرایا برای یهودیان و فرزندان عمران و مریم اصطلاح شناخته شده‌ای بوده است. بشارت به مریم در حین اندوه و ناراحتی به این که فرزند وی یکی از سرایاه است، می‌توانست برای وی دلگرم کننده باشد.

واژه‌ی «سَرِّیًّا» پیش از نزول قرآن (مسیحیان)

ولی آیا واژه‌ی «سَرِّیًّا» پیش از نزول قرآن کریم، درباره ماجرای تولد حضرت عیسی به کار رفته است یا نه؟ و آیا مسیحیان از این واژه شناختی داشتند. به نظر می‌رسد، پاسخ این پرسش منفی باشد. ولی درباره حضرت عیسی مطلبی در نزد مسیحیان وجود دارد که از این جهت قابل تأمل است. آنچه از کتاب مقدس، به ویژه انجیل لوقا برمی‌آید، حضرت مریم پس از آنکه به نفخه‌ی الهی باردار شد، فرشته الهی با او سخن گفت: به او گفت: ای مریم! مترس، زیرا که تو نعمت خدادادی را یافته‌ای. اینک تو آبستن خواهی شد و خواهی زایید، پسری و او را عیسی خواهی نامید. و او شخص بزرگی خواهد بود، فرزند خدای تعالی خوانده خواهد شد؛ و خداوند تخت داوود را به وی خواهد داد، و تا ابد بر دودمان یعقوبی سلطنت خواهد کرد. (انجیل لوقا، ۱۱۷)

سزاوار است، پرسیده شود؛ چرا در انجیل آمده است؛ که به مریم، بشارت داده شد، که فرزند تو تخت داوود را به ارث خواهد برد؟ (انجیل لوقا، ۱۱۷) در حالی که طبق مستندات دینی مسیحیان و مسلمانان عیسی هرگز حکومتی تشکیل نداد. در قرآن کریم، نیز خداوند بشارت نصرت و پیروزی حتمی مومنان و پیروان عیسی را به او داده است، (آل عمران، ۵۵)؛ در حالی که تا کنون، این کافران بوده‌اند، که بر مؤمنان غلبه و برتری و حکومت داشته‌اند، این وعده‌ی الهی حق است و به وقوع خواهد پیوست. (مریم، ۳۴).

واژه‌ی «سَرِّیًّا» پیش از نزول قرآن (عرب جاهلی)

این ریشه چندین بار، در اشعار جاهلی به چشم می‌خورد، و در دو معنای مهم کرامت و در معنای رود کوچک به کار رفته است، ولی تفسیر «سَرِّیًّا» به رود و نهر کوچک نتوانسته است؛ ذهن مفسران را اقناع نماید و همین سبب گردید که، درباره‌ی این واژه پرسش بیشتر صورت گیرد؛ برخی با در نظر گرفتن این نکته که؛ این واژه

درباره‌ی حضرت عیسی به کار رفته است، آن را واژه‌های سریانی، حبشی و یا نبطی دانسته‌اند، در حالی که همان‌طور که گفته شد، این واژه در زبان سریانی به معنای نهر و یا جدول نیست، بلکه واژه‌ی «سفیتا» در زبان سریانی به معنای نهرهای باریک به کار رفته است. (Hassan bar buhlul, 2/1378) و چون ریشه سری در سه زبان عبری، عربی و سریانی که از زبان‌های اخوات سامی هستند، در مفهوم خروج نظامی مخفی به کار رفته است، بنابراین اصالت این معنا برای این واژه در زبان عربی را نیز می‌تواند اثبات نماید. اگرچه ریشه‌ی «سری»، در اشعار جاهلی، چندین مرتبه به کار رفته است، و در معانی مختلف نهر کوچک، انسان کریم و با سخاوت نیز به کار رفته است.

سهل الخلیفه ماجد ذو نائل مثل السری تمده الانهار

(سیوطی، ۲۶۱/۱؛ بنت الشاطی، ۴۴۳)

ولی این پرسش همچنان باقی است که چرا قرآن کریم با وجود الفاظ نهر، از لفظ سری که واژه‌ای کم کاربرد است برای بیان این معانی بهره برده است؟ به نظر می‌رسد؛ خطاب قرار دادن مریم و نامیدن عیسی به این نام کاربرد یک اصطلاح دینی بوده باشد، که پیش از آن نیز درباره‌ی حداقل عده‌ای، کاربرد داشته است و بخاطر آشنایی مریم، با تعالیم مذهبی یهودیان، این واژه، برای وی مانوس بوده باشد.

واژه‌ی «سَرِّیاً» در عصر نزول قرآن

در قرآن کریم واژه‌ی «سَرِّیاً» احتمالاً در معنای سرباز خدا آمده است. مفهوم این واژه از توجه و دقت در ریشه شناسی واژه و بافتی بدست می‌آید که واژه‌ی «سَرِّیاً» در آن قرار گرفته است.

مریم بانوی با ایمان و عبد و بنده‌ی خدا بود و صبر و ایمان او به اندازه‌ای بود، که به بلا و امتحان الهی راضی باشد. (الأنبیاء، ۹۱؛ التحريم، ۱۲) در عین حال وی آرزوی مرگ و به فراموشی سپرده شدن کرد (مریم، ۲۳) بنابراین به نظر می‌رسد؛ اندوه مریم از موضوعی به مراتب مهم‌تر از فرزنددار شدن و اتهام به رابطه نامشروع باشد. و خداوند در چند آیه بعد، پاسخ می‌دهد که او هرگز چیزی را فراموش نمی‌کند. (مریم، ۶۴) در آیات

دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم، که مریم توسط فرشتگان مخاطب قرار گرفت. (آل عمران، ۴۲) اساساً درباره‌ی مریم از همان تولد احتمال نبوت مطرح بوده است (آل عمران، ۳۶ و نیز نک: ابن عاشور، ۹۵/۳؛ قرطبی ۷۸/۴؛ آلوسی ۱۴۸/۲) بنابراین مریم می‌دانست که، رسالتی بر دوش او در ارتباط با مردم وجود دارد. (مریم، ۲۱) در جایی که بین مسلمانان در بین نبوت و عدم نبوت مریم اختلاف نظر وجود دارد، (مناوی، ۶۶۹/۵؛ مقریزی ۲۷۰/۱۰؛ قرطبی ۹۰/۱۱؛ ...) احتمال وجود چنین تصویری برای مریم، به ذهن نزدیک است، به ویژه؛ آنکه انبیاء در هنگام مبعوث شدن، دچار ترس و هراس می‌گردیدند (النمل، ۱۰) و خداوند با بشارت به نبوت عیسی این ترس را از او رفع نموده و او را به خوردن و نوشیدن دعوت می‌کند. مریم از همان ابتدای کودکی در معبد اورشلیم رحمت الهی را دریافت می‌کرد، تا آنجا که؛ غذای روزانه‌ی وی از جانب خداوند، می‌رسید و او رزق و روزی خود را از خداوند دریافت می‌نمود. (آل عمران، ۳۷) بنابراین اصلاً، بعید نیست؛ هنگامی که او در شرایط اضطراری زایمان، قرار بگیرد، خداوند برای رفع نیاز نوشیدن آب و انجام غسل، برای او نهر آبی روان نماید. در حالی که وی در شرایط معمولی، روزی خود را از جانب خداوند دریافت می‌کرد. افزون بر این آب در آن سرزمین چیز فراوانی بوده است، و کمیاب نبوده است. (مصطفوی، ۱۱۴/۵) و شرایط اضطرار نیاز به آب مانند، داستان حضرت هاجر و فرزندش اسماعیل و یا ایوب. نبوده است.

در شرایطی که مریم، ترس از رسوایی داشته باشد، جاری شدن نهر آب اگر چه می‌تواند؛ مایه دلگرمی باشد، ولی نمی‌تواند؛ دلیلی کامل برای از بین رفتن اندوه و ترس مریم باشد. زیرا آنچه باعث درد مریم شده بود، و او را به گوشه‌گیری تنه‌ی درخت خرما سوق داد، که آرزوی مرگ و فراموش شدن کند، گرسنگی و تشنگی نبود، بلکه ترس از رسوایی و بی‌آبرویی و یا مسأله‌ای مهم‌تر بود (مریم، ۲۳، مصطفوی، ۱۱۵/۵) برخی گفته‌اند؛ با توجه به سیاق آیات مفهوم جدول و نهر بخاطر وجود کلمه **فکلی و اشربی** مناسب‌تر است. (طباطبایی، ۴۳/۱۴) ولی در پاسخ باید گفت؛ اگر قرار باشد واژه‌ی «فکلی» را نتیجه وجود «رطباً جنیا» و واژه‌ی «اشربی» را نتیجه وجود «سریا» دانست باید پرسید؛ عبارت «قری عینا» به چه بازمی‌گردد، مریم چگونه چشمش روشن باشد، تنها با خرما و آب! نکته‌ی دیگر؛ آنکه، برای جاری شدن آب، در زیر پاهای مریم، بایستی «مجاز

لفظی»، در نظرگرفت، زیرا؛ جاری شدن آب در زیر مریم، چندان قابل پذیرش نیست و باید عبارت «تحت ارجلها»، یا «جنبها» را برای تکمیل معنا در نظر گرفت. مانند توجیهی که مفسران برای این آیه ارائه می‌کنند. (المائدة، ۶۶، نیشابوری، ۴/۴۸۰) به نظر می‌رسد، چون در روایات آمده است که؛ برای مریم، چشمه‌ی آبی جوشید، و نه‌ری از آب جاری گشت، (مجلسی، ۱۳/۴۱۰) پس از آن، این تصور پیش آمد که؛ مفهوم واژه‌ی «سَرِّیاً»، همان نهر آب است.

دیدگاه مفهوم جدول برای واژه «سَرِّیاً» از این جهت نیز قابل خدشه است که؛ چرا خداوند برای بیان مفهوم «نهر» از واژه‌ی «سَرِّیاً» استفاده نمود، در حالیکه کاربرد واژه‌ی نهر در قرآن فراوان است. (یونس، ۹؛ الرعد، ۳؛ ابراهیم، ۲۳...) از همین جهت ورود معنای سریا از واژه سربو به معنای بلند مرتبه نیز مورد خدشه است، زیرا واژگان دیگری مانند رفیع، علی، ... می‌توانست به این مفهوم اشاره کند و در قرآن کریم نیز سابق کاربرد داشت. (غافر، ۱۵؛ المومنون: ۴۶؛ ...)

واژه‌ی «عبدالله» در آیات بعدی می‌تواند بدل، و درواقع توضیحی، برای واژه‌ی «سَرِّیاً» باشد. (مریم، ۳۰) توجه به محتوای سوره‌ی مبارکه مریم و غرض این سوره، نشان می‌دهد؛ واژه‌ی «سَرِّیاً» مربوط به مخلوق بودن و فرمان‌برداری عیسی و مادرش از خداوند است، تا اینکه تنها در مقام بیان جایگاه بالای عیسی باشد، و اساساً در نزد خداوند، جایگاهی بالاتر از بندگی خالصانه وجود ندارد. (الحجرات، ۱۳) بنابراین واژه‌ی «سَرِّیاً» باید واژه‌ای همسو با غرض کلی سوره یعنی عبادت همه انبیاء و اولیاء از جمله عیسی و مادرش برای خدا باشد. نه مدح و بیان مقام والا و ویژه‌ای جز بندگی خداوند برای عیسی.

خداوند، در ادامه‌ی این سوره، سپاه خود، چه سربازان مخفی و چه آشکار، را با جنود شیطان مقایسه می‌کند، و می‌گوید: به زودی خواهند دانست که؛ کدامیک - خداوند یا شیطان - سپاه ضعیف‌تری دارد؟ (مریم، ۷۵) عبارت بعدی که مریم را، دعوت به خوردن و نوشیدن و روشن داشتن چشم می‌کند، (مریم، ۲۶) نشان می‌دهد، که فرزند مریم به پیامبری برانگیخته شده است و دیگر جای هراسی برای مریم وجود ندارد، به‌ویژه، عبارت می‌تواند تأیید برانگیخته شدن عیسی به نبوت، از همان لحظه تولد و یا حتی زودتر از آن، باشد، زیرا نبوت او در همان زمان کامل شد. (انجیل باربانا، ۳۰۱) عبارت

چشم روشن داشتن در قرآن، تنها درباره‌ی دعای انبیاء، برای نبوت فرزندانشان و یا بخاطر نبی بودن فرزند آمده است. (الفرقان، ۷۴؛ القصص، ۱۳) بنابراین در عصر نزول قرآن واژه‌ی «سَرِّیاً» احتمالاً به معنای «سرباز مخفی خداوند»، به کار رفته است.

واژه‌ی «سَرِّیاً» پس از نزول قرآن

واژه‌ی «سَرِّیاً» همراه با تاء تأنیث، پس از نزول قرآن، برای برخی از جنگها که پیامبر(ص) در آن حضور نداشت، (أستراآبادی، ۱/۳۶۵) و یا به معنای لشکر، (ابن کثیر، ۱۷۹/۳) به کار رفته و به آن، «سریه»، گفته‌اند و پس از آن، در مفهوم مدح در دانش رجال به معنای انسان سلیم النفس و شجاع و صالح و نیکوکار به کار رفته است. (ذهبی، ۶۲۱/۲؛ عسقلانی، ۲۹۷/۴؛ ابن فهد مکی، ۱/۱۵۱ و ۲۷۶) البته واژه‌ی «سرایا» جمع «سریه»، همچنان در زبان عبری به معنای سربازان خدا در متون مذهبی و عبری دیده می‌شود. Bible. Reg. 7. 30; Jer, 50.39 (مزراحی، فیلیکس، ص ۳۹۶؛ Michaelis.David Jonnes, p 624)

عیسی از مادر خود می‌خواهد که به خاطر «سَرِّیاً» بودنش چشم روشن بدارد، «قره‌عین» یک اصطلاح عرفی است، «قره» از ریشه‌ی «قرر»، به معنای برد و تمکن است، قرر، و اقرار کردن، برخلاف انکار، به معنای تصدیق است، (ابن فارس، ۷/۵؛ فراهیدی، ۲۱/۵) وهنگامی که عرب می‌گوید: «أقرّ الله عینه» به این معنا است، که؛ خداوند آنقدر به او ببخشد، که چشمانش به حق، گواهی دهد. این عبارت در قرآن کریم، تنها برای سه مصداق آمده است. حضرت موسی (القصص، ۱۳)، حضرت عیسی (مریم، ۲۶)؛ و امام (الفرقان، ۷۴؛ السجدة، ۱۷).

وجود منجی، در نزد همه‌ی دانشمندان علوم اسلامی چه شیعه و چه اهل سنت امری مسلم و پذیرفته شده است. ظهور امام زمان و سیطره‌ی حکومت او بر جهان، بدون داشتن یک سپاه کارآمد میسر نیست. خداوند، جنود پنهان و آشکاری دارد، که؛ شامل سپاهیان انسان، و غیر انسان می‌شود. (نک: حسینی شیرازی، ۹ و ۱۸۹) و این سپاهیان در خدمت آخرین منجی بشریت قرار خواهد گرفت. سرباز پنهانی، یا سپاه شبرو آن چیزی است که؛ در مفهوم واژه‌ی «سَرِّیاً» بیان شد، این سپاه شبانه حرکت می‌کند، ابزارش ایمان و عمل صالح است. خداوند از ابتدای سوره‌ی اسراء و در طول سوره‌ی

کهف و تا پایان سوره‌ی مریم از این سپاه پنهانی و از لشگرکشی مخفیانه خود سخن می‌گوید. ابتدا از لشگرکشی شبانه با عبد و بنده‌اش در ابتدای سوره‌ی اسراء سخن می‌گوید. رفتن پیامبر خدا(ص) از مکه به مسجد الاقصی تنها یک سفر عرفانی نبوده است، بلکه طبق تصریح قرآن، برای سرکوبی شیاطین و دشمنان خدا در مسجد الاقصی بوده است. (الإسراء، ۱؛ الإسراء، ۴) و این قدرت خداوند را می‌رساند که تنها با یک بنده‌اش شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی لشگرکشی می‌کند. چند نکته در فهم آیه نخستین این سوره تأثیرگذار است.

۱- اسراء اتفاقی تاریخی است که روایات آن مستفیض و اطمینان‌آور است، و در منابع شیعه و اهل سنت در حد مستفیض وارد شده است. (ابن فوزان، ۲۰۱؛ عبدالرزاق ابن البدر، ۲۵۹؛ شاطبی، ۸۵۵) مفهوم واژه «أسری» که با توجه به آنچه گفته شد، به معنای لشگرکشی مخفیانه و شبانه است. اهمیت کاربرد این واژه درباره پیامبر اسلام و حضرت عیسی آن است که به تنهایی خود به اندازه سپاهی کارگشا است، البته نباید از نظر دور داشت که همانطور که در مفهوم واژه بیان شد، سربه به معنای بخش ممتاز سپاه است. (فیروزآبادی، ۳۴۶/۱؛ فیومی، ۲۷۵/۲)

۲- آیات پسین که تهدیدی برای یهودیان گناهکار و اخراج آنها از بیت المقدس است. (الاسراء، ۵)

۳- روایاتی که در ذیل این آیات آمده است و درباره عذاب رباخواران، عذاب زنان فاسد، خورندگان گوشت مردم و ریزانندگان آبروی آنها (ابن قیم، ۵۹) ... است که پیامبر این قوم معذب را در آنجا مشاهده کرد، (قمی مشهدی، ۲۹۸/۷) جای این پرسش است، که آیا ارتباطی بین سفر به مسجد الاقصی با دیدن این قوم معذب وجود دارد. آیا این قوم معذب مردم همان زمان بودند یا امکان دارد، گروه مردم گناهکار در زمان‌های بعد هم باشند، توجه داشته باشید که هم اکنون شهر اورشلیم به عنوان سکولارترین و فاسدترین شهر از نظر فحشاء و بدترین و زشت‌ترین رفتارها در جهان شناخته شده است. (مسیری، ۲۷۱/۵)

۴- چرا برای این سفر عروج روحانی حرکت از مسجد الحرام تا بیت الاقصی لازم بود. آیا امکان این سفر روحانی در خود مسجد الحرام ممکن نبود، توجه به این نکته که در آن زمان بیت المقدس در دست یهودیان و اهل کتاب بود، شاید در تبیین سیر شبانه و

یا لشگرکشی اثر داشته باشد. آیه سوره بقره که در شأن نزول آن مسجدالاقصی آمده است، این نکته را که در آن زمان مسجدالاقصی احتمالاً در دست دشمنان خداوند بوده است، را روشن‌تر نماید. اگرچه سوره بقره مدنی است، و سوره اسراء مکی، ولی حکومت در بیت‌المقدس در این سالها تغییر نکرده است. (البقره، ۱۱۴؛ ذکواتی، ۲۵) به نظر می‌رسد سیاق آیات ابتدائی سوره اسراء بیشتر تهدید و تعظیم باشد تا امتنان. (ابن فهد، ۴۰)

۵- روایاتی که نشان می‌دهد شیطان خود را در قالب زن بسیار زیبا و نهی از شراب و فرق ضاله یهودیت و مسیحیت به پیامبر عرضه می‌کند، ولی پیامبر به آنها توجهی نمی‌کند. (کاشانی، ۱۶۹/۳)

۶- واجب شدن مهم‌ترین فریضه مسلمانان یعنی نمازهای پنج‌گانه و وضوء و نماز خواندن پیامبر به جماعت پیامبران بزرگ الهی در این شب. (قمی مشهدی، ۳۰۴/۷)

توجه به مسائل یادشده می‌تواند نشانگر آن باشد، که حرکت از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی می‌توانسته یک نوع لشگرکشی ویژه با اهداف خاص باشد.

این هدف می‌تواند تهدید و ایجاد رعب و وحشت و ترس در دل دشمنان اسلام باشد، پژوهش‌های خاورشناسانی چون آرتور جفری می‌تواند دقت مستشرقان بر واژگان خاص قرآن باشد، برخی واژگان در قرآن کریم چون «إل یاسین»، «سیناء»، «اعراف»، و یا «سریّاً» برای اهل کتاب دارای مفهوم خاصی است، مسیحیان و یهودیان مفهوم واژه سرایا را می‌دانند و این ریشه و مشتقات آن بارها در کتاب مقدس به کار رفته است (Bible Michaelis.David Jonnes, p 624; Reg, 7. 30; Jer, 50.39)

خاورشناسان به این معانی و تهدید بودن این عبارات در قرآن برای ایشان اشاره‌ای نکرده‌اند ولی مخفی کردن معانی این واژگان در کتابهای ایشان و کاربرد این واژگان در کتاب مقدس به زبان عبری خود نشانگر ترس ایشان از مفاهیم موجود در قرآن است. تهدید به لشگرکشی شبانه تنها با یک بنده، به بیت المقدس می‌تواند بیانگر قدرت آن بنده در ویرانی بنای کفر و الحاد داشته باشد، و این برای دشمنان وی ترس‌آفرین است. و حضور این واژه در قرآن کریم تهدیدی برای ایشان است و نمی‌توان میزان تخویف این واژگان قرآن را برای یهودیانی که حقانیت این کتاب را همچون فرزندانشان می‌شناسند، تبیین کرد. (البقره، ۱۴۶): «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ...»

بنابراین عبارت لشگرکشی مخفیانه تنها با یک بنده از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برای نشان دادن آیات بزرگ خداوند به اوست، توجه به آیات پسین سوره اسراء که در سیاق تهدید و ارباب یهودیان و سرکوبی ایشان و اخراج آنها از بیت المقدس است می‌تواند نشانگر مفهوم دقیق واژه‌ی أسری باشد. اگر نه چه ارتباطی بین رحمت خداوند بر پیامبرش در معراج و آیات تهدید یهودیان درباره اخراج از مسجدالاقصی و جنگ بین ایشان و بندگان خدا می‌توان برقرار کرد. (الاسراء، ۴-۷)

نکته دیگر داشتن جنود مخفیانه شیطان است که در شب خارج می‌شوند، (الأعراف، ۲۰۱) در مقابل این لشگر پنهانی شیطان، داشتن جنود مخفی برای خداوند نیز امری لازم و ضروری است. (القلم، ۱۹) طائف در زبان عربی به معنای عبور کننده در شب است. (العاس باللیل) (ابن فارس، ۳، ۴۳۳) سربازانی که نتوان قدرت نظامی و جنگی، محل ورود، ... درباره ایشان حدس زد. بنابراین معنای لشگرکشی مخفیانه هم با معنای دقیق واژگانی سری هم با سیاق آیات سازگاری بیشتری دارد تا معنای سیر شبانه.

عبارت «أسری بعبده» و واژگان «سریا» و عبارت «انی عبد الله» که در سوره مریم آمده است از نظر واژگانی با هم شباهت دارند. عبارت پایانی سوره‌ی اسراء، در ارتباط با مضمون سوره‌ی مریم قرار دارد. همچنین اتفاقی که در لیلۃ الاسراء یعنی عروج جسم و روح پیامبر (ص) اتفاقی است که برای عیسی نیز رخ داده است. (هندی حنفی، ۱۰۲۲/۴) خداوند از مردم مسلمان و مسیحی می‌خواهد که تنها او را پرستش نمایند، (الاسراء، ۱۱۰-۱۱۱) و از شیطان متکبر و فریب‌کار و یارانش از جن و انس تبعیت نکنند. اسلام بواسطه‌ی سلاحی که در دست دارد، بر جنود شیطان غلبه خواهد کرد، که آن همان قرآن است، که هیچ جن و انسی را یارای مقاومت و مقابله با آن نیست. (الاسراء، ۸۸)؛ دشمنان الهی همه نابود خواهند شد و شیطان در پی فریب دادن همه‌ی انسانها است. پس باید در این جنگ همه جانبه از انبیاء و ولی امر تبعیت نمود، اگر نه حتماً در دام شیطان خواهند افتاد. (النساء، ۸۳) و از او پیروی می‌کنند، بدون آنکه بدانند ولی شیطان پیش از آنکه دعوت او را اجابت نمایند، بر آنها تسلطی ندارد، ولی پس از نفوذ و سوسه‌ی شیطان در انسان، شیطان بر انسان تسلط می‌یابد، (الصفات، ۳۰) خداوند، خود خواسته است، که؛ پیامبران دشمنانی از مجرمان داشته باشند. (الفرقان، ۳۱) قلب مجرمان از فرط گناهکاری چنان است که؛ سخن خداوند در اندیشه‌شان وارد می‌شود، ولی چیزی

جز ضلالت و گمراهی بر ایشان نمی‌افزاید. مجرمان یاران شیطانند و همانند او چپ چشم محشور خواهند شد (طه، ۱۰۲) مبارزه با مشرکان، از منظر قرآن، به دو شکل صورت می‌پذیرد. نخست: مبارزه‌ی آشکار، فرماندهی این سپاه امامان هستند، زیرا آشکارا و در مقابل دشمنان مردم را راهنمایی می‌کنند. دوم: سپاه مخفی، یا همان سربازان مخفی که از انظار مردم بدورند، این گروه نیز در راه به انجام رسیدن اهداف الهی گام برمی‌دارند، ولی به صورت مخفیانه. از منظر قرآن انجام امور مخفیانه و سری، کاری لازم و بدیهی است. و در مبارزه با شیطان ناگریز، باید چنین اقدامی صورت گیرد. خداوند دارای سربازان مخفی است. (المدرثر، ۳۱) که در هنگام ضرورت از ایشان بهره می‌برد. این سربازان سرمایه‌های پنهان و مایه‌ی چشم روشنی برای بندگان خداست (السجدة، ۱۷)؛ سپاه خداوند، سپاه انسانی و غیر انسانی است؛ که شامل فرشتگان، باد، زمین، صاعقه، پرندگان... می‌شود. (التوبه، ۴۰) کسی، تمام سرمایه‌های پنهان خداوند را نمی‌شناسد، ولی خداوند از تمام امور پنهان، و اندوخته‌ها و مکر و نیرنگ دشمنان خود و حتی از نگاه‌های خائنه، ایشان آگاه است. (غافر، ۱۹) و در صورت لزوم آن را برملا می‌سازد. و هیچ کس را یارای برابری با سپاه خدا نیست. (النمل، ۳۷) و او بی‌تردید در این نبرد پیروز است. (المجادلة، ۲۱)؛ (جعفری، ۱۹) خداوند به حضرت عیسی، مژده پیروزی یارانش بر کافران را می‌دهد. (آل عمران، ۵۵)؛ (طباطبایی، ۱۲۴/۵) خداوند از گذشته دارای سربازان مخفی، در میان مشرکان بوده است که در راستای اهداف الهی گام برمی‌داشتند. (غافر، ۲۸)

کارکرد منطقی این نوع داده‌ها آن است، که مشرکان و سپاهیان شیطان، از چنین دشمنی به شدت احساس خطر نمایند، زیرا تمام اسرار ایشان در نزد خداوند، برملا شده است، و همیشه از جانب سپاه مخفی الهی، تهدید می‌شوند. (ابراهیم، ۳۸) این کمبود اطلاعات منجر به آسیب‌پذیری مشرکان در برابر جنود الهی می‌گردد. (سبأ، ۱۴؛ سبأ، ۵۳). تهدید به نبرد مخفی یا غافل‌گیر شدن توسط خداوند در آیات زیادی از قرآن کریم آمده است. (الأعراف، ۹۸)

آیا این تهدیدها تأثیر مشخص و مشهودی بر رفتار کافران دارد، پاسخ به این پرسش را می‌توان از میزان اقدامات علیه کتاب مقدس مسلمانان، در طی سالهای گذشته بدست آورد. سوزاندن قرآن، توهین به کتاب مقدس مسلمانان و پیامبر اسلام ... همه گواهی بر

هراس و ترس کافران و دشمنان خداوند نسبت به این کتاب است. به‌ویژه روایات مختلفی که از سیطره حکومت امام زمان بر بیت‌المقدس حکایت می‌کند. (عاملی، ۲۱۷/۵؛ مجلسی، ۸۲/۵۱؛ ابن طاووس، ۱۸۲/۱) ترس از سپاه پنهانی خداوند نیز در بین کافران مشهود است، ساخت بازی‌های کامپیوتری، فیلم‌های سینمایی،... علیه امام زمان همه، می‌تواند نشانگر میزان ترس و هراس مشرکان، از سپاه پنهان خداوند باشد. لشگرکشی این سپاه مخفی معمولاً، شب هنگام رخ می‌دهد؛ چون غافل‌گیری دشمن در شب، بیشتر است. (المزمل، ۶)

نتیجه‌گیری

واژه‌ی «سَرِّیاً» به عنوان یک اصطلاح دینی، پیش از نزول قرآن کریم کاربرد داشته است، مفهوم آن در زبان عربی نیز روشن است، «سَرِّیاً» سرباز مخفی خداوند، مفهوم است، که در واژگان دیگری نظیر «أسری»، «فأسر»، ... وجود دارد، که به معنای لشگرکشی شبانه‌ی سپاه خداوند است. روشن شدن، مفهوم این واژه و تبیین روابط مفهومی این واژه با واژگان مرتبط مانند؛ «قره عین» در تفسیر و فهم آیات دیگری از قرآن کریم نیز تأثیرگذار است. پیامبر بزرگ، عیسی از سرمایه‌های پنهان خداوند، برای روزی است، که خداوند، بشارت آن را بارها در قرآن داده است، روز غلبه و سیطره‌ی ایمان بر کفر در آن روز این پیامبر بزرگ، در راستای دستورات خداوند، گام بر خواهد داشت، و چشمان غمگین مادر بزرگوارش، به این نور روشن خواهد گردید. این تنها بشارتی بود، که در آن لحظه‌ی سخت که مریم، در لحظه‌ای که از درد به خود می‌پیچید، و ترس از سرزنش و آزار دشمنان خدا، و رسالت سنگینی که بر دوش خود احساس می‌کرد، می‌توانست، او را آرام و شاد سازد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس.
۳. آل غازی، ملا حویش عبد القادر، بیان المعانی، دمشق، مکتبه الترقی، ۱۳۸۲ق.

۴. آلوسی، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، لبنان، مؤسسه اعلمی، ۱۹۷۱م.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، قم، انتشارات خیام، ۱۴۰۰ق.
۸. ابن عاشور، التحریر و التنویر، الدار التونسیه، تونس، ۱۹۸۴م.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، بیروت، مطبعة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن فوزان، الارشاد الی صحیح الاعتقاد، سعودی، دار ابن جوزی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابن فهد رومی، عبدالرحمن، البدهیات فی القرآن الکریم، مدینه منوره، جامعہ المدینه، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ابن فهد مکی، لحظ الألفاظ بذیل طبقات الحفاظ، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، قم: نشر الادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۱۵. ابن هائم مصری، احمد، التبیان، دار الغرب الاسلامی، [بی جا]، ۲۰۰۳.
۱۶. أسترآبادی، آیات الأحکام، تهران، مکتبه المعراجی، بی‌تا.
۱۷. بانوی اصفهانی، نصرت امین، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان، ۱۳۶۱.
۱۸. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. بنت الشاطی، عایشه؛ التفسیر البیانی للقرآن الکریم، بیروت: دار المعارف، ۲۰۰۴م.
۲۰. همو، الاعجاز البیانی، صابری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۶.
۲۱. بیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸.
۲۲. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۲۳. جفری، آرتور، واژه های دخیل در قرآن مجید، ترجمه دکتر فریدون بدره ای، انتشارات توس، [بی جا]، ۱۳۷۲.
۲۴. جعفر شرف الدین، الموسوعة القرآنیة، بیروت، دار التقریب، ۱۴۲۰ق.
۲۵. جعفری، محمد رضا، الغیبة، قم، مرکز ابحاث العقائدیة، ۱۴۲۰ق.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد عبد الغفور عطّار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷.
۲۷. حسینی شیرازی، صادق، المهدی فی القرآن و السنة، دمشق، دار السلوی، ۲۰۰۷م.
۲۸. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء الکلام العرب، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.

۲۹. حبیب، سلیمان، فرهنگ عبری. فارسی، القانین، اسرائیل، ۱۳۶۴ق.
۳۰. نابغه ذبیانی، دیوان اشعار، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۳۱. ذکاوتی قراگزلو، علی رضا، اسباب النزول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ق.
۳۲. ذهبی، تذکره الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق
۳۴. زبیدی، محمد مرتضی حسینی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الهدایه، بی تا.
۳۵. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۹۵۷م.
۳۶. زمخشری، جار الله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و...، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۱۹ .
۳۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق .
۳۹. همو، در المنثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۴۰. شاطبی، الاعتصام، سعودی، دار ابن عفان، ۱۴۱۲ق.
۴۱. شعرانی، ناصر، مکانة سیده مریم العذراء بنساء العالمین فی القرآن الکریم، بیروت، دار ابن حزم، ۱۹۹۶ م .
۴۲. شتیطی، محمد امین؛ اضاء البیان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۳. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق .
۴۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ .
۴۵. همو، قرآن و انتظار، قم، طباطبایی، ۱۳۸۳ .
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ .
۴۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۸ .
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۹. طهماز، محمود عبد الحمید، التوحید و التنزیه فی سورة المریم، بیروت، دار الشامیه، ۱۹۹۰ م .
۵۰. عبد التواب، رمضان، مباحث در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، تهران: آستان قدس، ۱۳۶۷ .
۵۱. عسگری، ابو هلال، الفروق اللغویه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵۲. سامرائی، ابراهیم، ۱۴۱۳؛ العربیه تاریخ و تطور، مکتبه المعارف، بیروت .
۵۳. فاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت، دارالجلیل، ۱۹۹۵م.
۵۴. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، معانی القرآن، دارالمصریه، مصر، بی تا .

۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۵۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۵۷. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس المحیط، بیروت، دار الجیل، بی تا.
۵۸. فیض کاشانی، ملامحسن؛ الصافی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۸.
۵۹. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، المطبعة المیمیه، مصر . ۱۳۱۳؛
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۶۱. قشیرئ، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، الهيئة المصرية، مصر، بی تا .
۶۲. کریمی نیا، مرتضی، مسأله تأثیر زبان‌های آرامی و سریانی در زبان قرآن، نقد و معرفی کتاب، صص ۴۵، ۵۶ .
۶۳. کاشفی، حسین، مواهب علیه، تهران، اقبال، ۱۳۶۹.
۶۴. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعادة، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، موسسه دار الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق .
۶۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۷. مزراحی، فیلیکس، قاموس عبری-عربی، بی تا، بیتا.
۶۸. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
۶۹. مشهدی قمی، محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ق.
۷۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۷۱. مطرازی، المغرب فی ترتیب المعرب، بی تا، بی جا .
۷۲. مغنیه، محمد جواد، تفسیر المبین، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۷۳. مقریزی، امتاع الاسماع، نمیسسی، محمد عبد الحمید، بیروت، دار لکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق .
۷۴. نووی جاوی محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷.
۷۵. نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان،، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۷۶. هندی حنفی، محمد، اظهار الحق، سعودی، موسسه بحوث علمی، ۱۴۱۰ق.
77. Lexicon syricum ,paris, republic typograph hassan bar bahlule, Lexicon syricum, Divid Michalis, paris, 1788.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني